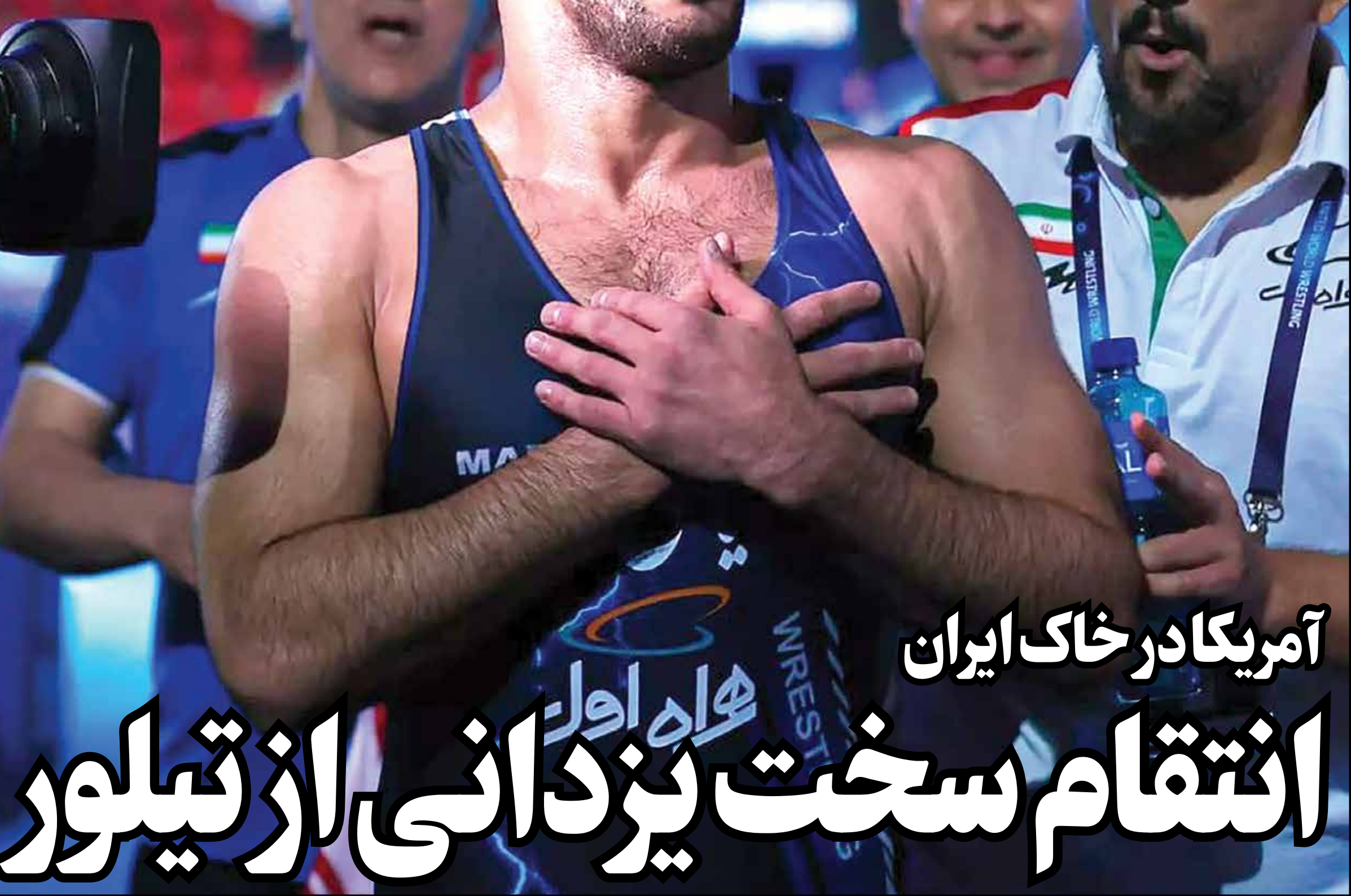


کولاک کشتی آزاد ایران در ۴ وزن دوم با ۴ فینالیست رکورد ۶۰ ساله می شکند



آمریکادر خاک ایران انتقام سخت یزدانی از تیلور



ستاره جوان سنگین وزن ایران گل کاشت

زارع طلایی

مهدی عبدی: دربی همیشه دربی است چه هفته اول باشد چه هفته دیگر

کلید موفقیت‌های ما در گرو نتیجه‌گیری مقابل الهلال است

بازگشت آقای همیشه معترض به استقلال

چرا رشید رفت چرا رشید برگشت؟

الان زمان مناسبی برای صحبت درباره مشکلات مالی نیست

سید جلال: الهلال یکی از قدرت‌های آسیاست اما ما هم پرسپولیس هستیم

پیروانی: می‌خواهیم از نام پرسپولیس دفاع کنیم مطمئری: تنها مشکل تیم ما نداشتن ریتم بازی است

ستاره‌های بزرگ می‌گویند:

چگونه می‌شود استاد بزرگ شطرنج شد

تیریک وحید جعفری

«فردایهت می‌کم چطور طلاری بگیر»؛ فردایهت می‌کم. این جمله شب قبل از اینکه چهار نماینده ایران در روز دوم مسابقات جهانی نوزده فینال رقابت‌ها برسد و همگان شروع به تمجید کار سرمربیگری یزدان در ستکار کنند. در صفحات مجازی پخش شد. سرمربی جوان و در عین حال کاربلد کشتی آزاد ایران که در آغاز کار بسیار مورد انتقاد قرار می‌گرفت. حالا با رساندن حسن یزدانی و امیرحسین زارع به فینال تبدیل به مربی کاربلدی شده بود که با عملکرد خود بر چسب سکوت بر لبان منتقدان می‌دوخت اما این عملکرد در روز دوم مسابقات و پایان کار نمایندگان چهار وزن دوم در این روز نمود بهتری داشت و هر چهار داور ایرانی با شایستگی تمام به فینال مسابقات رسیدند و هر کدام رقابت نیمه نهایی را به نفع خود تمام کردند و رافعوش مربی دوست داشتی و مورد اعتماد خود جای گرفتند تا نشان دهند که قدر دان رزحمت شبانه روزی و تمرینات اصولی او در ۲۵ روز گذشته‌اند. بحران کرونا و فاصله زمانی کم بین بازی‌های المپیک و رقابت‌های جهانی لریزه به اندام در ستکار نینداخت و پسر محبوب و دوست داشتی کشتی تهران با فهم بالای خود از کشتی، سرازان خود را به بهترین شکل ممکن در این شرایط حساس، مهم نبرد با رقای جهانی کرد و ثابت نمود که به حق لیاقت ردای سرمربیگری تیم ملی را داشته است. رحمان

عموزاد به اشتباه خود باخت وگرنه نماینده وزن ۶۱ کیلوگرم ایران نیز لیاقت کسب مدال را داشت. یونس امامی مغلوب تردیدهای خود شد. وگرنه با اعتماد به کادر فنی می‌توانست مدال برنز خود را این بار در وزن ۷۲ کیلو تکرار کند. حسن یزدانی در روز نخست همان شیر همیشگی شده بود و او را تیرافونوف روس را جوری ازم تنیخ کردند که دیگر جامبولات تدیف سرمربی نام‌آشنای روس هافگرگ ری جوانی نکند و توگوید مربیان و مدارس کشتی روسیه بهترین هستند و او همین حالا مربیان ما روی تشک کشتی حاضر شوند. ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها را شکست خواهند داد چه برسد به کشتی‌گیران. امیرحسین زارع هم باغلبیبر رقابلیصوصا طاهوگل کگلوف روس خود را به رقبا دیگته می‌کرد. ما در همه زمان‌هایی که خود را به رقبا دیگته می‌کرد. ما در عین جوانی قدرت خود را به رخ رقبا می‌کشید و در تمام لحظاتی که کامران قاسمیور، شعور بالای خود از فن ویند کشتی را به تصویر می‌کشید، به اندازه چند قهرمانی تیمی در المپیک کفیور شدیم. ما به جوانان اعتماد کردیم و جوانان به کادر فنی و حاصل‌انش خوش بود. این یعنی داشتن انتخابی و انتخاب از سرحق و واقعیت. و دیشب، رادامه درخشش شیرهای ایرانی. وقتی شیرشاه، گلیتان دوست داشتی تیم ملی کشتی ایران حسن یزدانی که همه‌ها ایران دوست‌اش در اندرهای میدان شد. یک بار دیگر همه ایران با او را در میدان رقابت گذاشتند و با شیر به شکار رفتند. حسن در دیداری که قبل از جهانی در اردو با او داشتم نگران بود و وقتی در نبرد انتقامی با گنو پتریا شویلی میدانی، ۳۰ بار به شکار رفتی و شکارگر یختم. و توش این

بیرو و شکارش کن! و شیر بیشه ایران در دشت‌های باز نروژ چه خوب شکار کرد شکارچی آمریکایی را... او شکار می‌کرد و همه ایران لذت می‌برد از این فصل شکار و امیرحسین زارع وقتی در نبرد انتقامی با گنو پتریا شویلی گرج پنج‌ده رنجیده شد. دل‌ها روشن بود که جوان این



روزهای کشتی ایران آنقدر خسته شده که این بار نه تنها یک‌ه‌بر نیروی جوانی بلکه باخرد جمعی یخ‌نگی خود پیروزی در لیگ کشتی مقابل گنو را تکرار کند. او انتقام سختی از تیرا شویلی که در المپیک زارع را شکست داده بود. از روزی که شکار کرد. شکارچی آمریکایی را...

حسن یزدانی و امیرحسین زارع طلایه داران کشتی ایران در نروژ

دو طلانشده بود اما در نروژ و در همان چهار وزن نخست دو مدال طلا به دست آمد تا ایران مدعی درجه یک قهرمانی باشد. لحظه طلایی روز تاریخی کشتی ایران در اسلو نروژ مسابقه فینال وزن ۸۶ کیلوگرم بود. جایی که حسن یزدانی و دیوید تیلور باید راند چهارم رقابت خود را برگزار می‌کردند. رقابتی که بیننده چند ده میلیون در دنیا داشت و میلیون‌ها ایرانی هم خیره به تلویزیون بودند که ببینند داور ایرانی چه می‌کند. روز تاریخی کشتی ایران باید یک پایان استثنایی پیدا می‌کرد و این فقط با برتری حسن یزدانی همراه می‌شد. بغض همه گرفته بود، سه باخت و انگیزه‌ای که از درخشش شیرچه‌های ایران گرفته

بیایی مقابل تیلور برای هیچ‌کس قابل قبول نبود. مثل بغض در گلویی همه گیر کرده بود و آخرین رسیده بود که این بغض خالی شود بعد از چهار فینال استثنایی. حسن یزدانی همه توتاش را گذاشت. همه اشتباهات گذشته را کنار گذاشت و البته برتری‌های خوب تیم قبل از مسابقه او باعث شد در پیالیه و با فراغ بالی کار را تمام کند. دیوید تیلور شش‌سه مسابقه قبلی در راند چهارم جنگ ستارگان در مقابل حسن یزدانی نای غرض نداشت و اسیر ریلنگ ایران شده بود. دست‌اش با درازی‌های المپیک توکیو را جبران کند. زارع

شکست دادن جردن بارفوس است. حالا که تمام طلسم‌ها شکسته باید این طلسم هم بشکند. نخودی باید اولین ایرانی باشد که نسخه جردن بارفوس را می‌پنجید. **کامران: طلسم کاکس را شکست** چهارمین کشتی‌گیر ایران در مرحله نیمه نهایی بهترین کشتی‌گیر ایران بود. کامران قاسمیور ستاره می‌بدلی که سال‌ها کشتی‌گیر ایران بود. در حالی که بهترین زمان برای ترکیب بغض این کشتی‌گیر با امیرحسین زارع باسنش راه‌های نفوذ کشتی‌گیر فوق‌العاده با استعداد بود. کامران قاسمیور تا نیمه نهایی مهم نبود یا چه کسی کشتی می‌گیرد، مهم مسابقه نیمه نهایی بود که در واقع فینال زودرس بود. نبرد با جی دن کاس که سه بار قبل از این علیرضا کریمی را شکست داده بود اما این بار به سد محکمی به نام کامران قاسمیور برخورد کرد. کامران از سلطان زیرگیری فوق‌العاده خوب زیر گرفت و توانست بهترین نتیجه را برای تیم ایران رقم بزند. او چنان اسنادانه کشتی گرفت که وقتی مسابقه تمام شد این حسرت بزرگ به دل همه ماند که چرا اینقدر دیر به تیم ملی کشتی آزاد رسید؟ کامران با غلبه بر جی دن کاکس کار بسیار بزرگی را انجام داد. هم انتقام باخت‌های قبلی را گرفت و هم اینکه تیم ایران را به قدمی استنادی بر سرگویی نخست جهان رساند.

چهارمین فینالیست تیم ایران نام بگیرد. نکته مهم در کشتی امیرمحمد یزدانی این بود که توانست خودش را آکنترل کند و بدون هیچ گونه کار اضافی برای برنده شدن تاتایی‌های آخر تلاش کرد و در آخرین لحظه برنده شد. او تاتایی‌های پایانی ۲ بر ۴ بازنده بود اما کم این بار همه مثل المپیک دو بار به تیلور زید داد اما در نروژ این زارع بود که شب تاریخی و استثنایی پشت خط مانده بود و حالا بهترین زمان برای ترکیب بغض این کشتی‌گیر با امیرحسین زارع باسنش راه‌های نفوذ کشتی‌گیر فوق‌العاده با استعداد بود. کامران قاسمیور تا نیمه نهایی مهم نبود یا چه کسی کشتی می‌گیرد، مهم مسابقه نیمه نهایی بود که در واقع فینال زودرس بود. نبرد با جی دن کاس که سه بار قبل از این علیرضا کریمی را شکست داده بود اما این بار به سد محکمی به نام کامران قاسمیور برخورد کرد. کامران از سلطان زیرگیری فوق‌العاده خوب زیر گرفت و توانست بهترین نتیجه را برای تیم ایران رقم بزند. او چنان اسنادانه کشتی گرفت که وقتی مسابقه تمام شد این حسرت بزرگ به دل همه ماند که چرا اینقدر دیر به تیم ملی کشتی آزاد رسید؟ کامران با غلبه بر جی دن کاکس کار بسیار بزرگی را انجام داد. هم انتقام باخت‌های قبلی را گرفت و هم اینکه تیم ایران را به قدمی استنادی بر سرگویی نخست جهان رساند.

اخلاق در آفساید!

یادداشت
شهرام وزیری

جای لقمان حکیم و به اعتباری آن برهان خلفش خالی که روزی روزگاری فرمایش کردند: ادب از که آموختی؟ گفت از بی‌ادبان. چنین رفت که بسیاری از ناهلان اخلاقی مبنای ادب و ادب آموزی را وارونه از بی‌ادبان پنداشتند و از این برهان خلف فقط بهانه‌اش را درک کردند تا در نادانی و جهل مرکب همچنان بمانند!

دریغ و درد که فوتبال و مقوله جذابش در میان جامعه ما و در عین حال همه گیری و زمینه شهرت سازش باعث شده تا بیش از هر رشته دیگر مورد هجوم و تاخت و تاز شهرت طلبانی قرار بگیرد که بنا بر آموزه حجاب لقمان خود نماد از بی‌ادبی در جهت بد آموزی مرسوم باشند!

اگر امروزه روز رسانه‌های مجازی سریالی برای کویدین و آن در خدمت چنین مدیران به ظاهر اخلاقمدار و تازند چندان جای تعجب ندارد... که من و تو شب تا سحر عریده کشتی‌ها و نسق گیری‌های چنین مدیران اخلاقی زدا را از سر آتن لقب سیمایان مان نظاره‌گر باشیم و چنین که می‌رود امنیت اخلاقی و حرمت خانه‌های ناامن شود! تا در این بد آموزی این یکی مدیرناهل یا عریده کشتن آن یکی را مزدور و جیره‌خوار خواند و آن یکی نرسیده رئیس شده با فحاشی دیگری را ملقب به اراجیف‌گو بداند تا در این یقه دری‌های اخلاقی میان مدیران دریده خو و دریده گو آنچه به جایی نرسد فریاد مظلومانه فوتبالی‌هاش که در سیطره چنین بدخوانده‌های دست‌شونده آه ندارد که با تاله سودا کند!

وقتی در آس هرم این فوتبال به زبانی گهریار! اخلاق و ادب و نزاکت پیش چشم میلیون‌ها بیننده چنین سلاخی شود دیگر چه انتظار از کف و قاعده این همه محط که برای یکی دو امتیاز با نمایشی تمام اکشن برخی مربیان و سرپرستان چاقو و قمه به دست میدان به میدان دنبال هم تکتند!

اخلاق بی‌اعتبار شده‌ای که سال‌هاست در عرصه بی‌روییگر این فوتبال ده‌ها متولی داشته و دارد و در دوره‌ای با بگیر و ببند مشهورسازان و مشوریارازان اخلاقمدار پا در بوق کردن و امصیبتا ... سال‌ها اسیردست خودنمهای اخلاقی شود تا بعدش برسد امروزه روزی که نوبت کمیته‌های اخلاقی و انضباطی و ایضا استیفاف وووو چنین که کم نرود به رای و آرای ریالی به نرخ دلار آزاد اخلاق آموزی را دستمالی شده و ماستمالی شده تا تحویل مان دهند! مسی را دیدید؟! ... دیدید این چنین سلاخی شود دیگر چه انتظار از کف و قاعده در دیدار بازی سن زرمن و منچستر سیتی چگونه به آن همه اعتبارفنی به دور از خودشیفتگی و بدون تکبر و غرور با اطاعت محض از مربی‌اش در هنگام ضربه بیهوشی پشت دیوار دفاعی تیمش برووی زمین دراز کشید...؟!

اما اینجا در این سوی‌ا‌ها چی؟! ... که مایه اخلاقی همچنان، زسرگنده گردنی زدم، و بسیاری از بازیکنان در چنین محیط آلوده رفتار با چشم دوختن به دهان و رفتار بی‌زرگان و آموزرگانی چنین درس ادب و اخلاق و نزاکت ورزشی را از بی‌ادبان بیاموزند!

اگر حساب‌های بانکی یک شرکت تجاری کوچک توقیف شود، در بازاری که فعالیت می‌کند اعتبار از کف می‌دهد و برای جبران‌ش باید سال‌ها دایره جلب اعتماد کند. در فوتبال ایران اما حساب بانکی باشگاهی به بزرگی استقلال به خاطر بدهی ۹/۷ میلیارد تومانی توقیف می‌شود و باشگاه خبر رفق توقیف را در خبر رسمی، نتیجه مذاکرات فشرده تیم حقوقی محرب خود می‌داند. همین باشگاه در خرید بازیکن همچنان تردید و مالی‌در قرارداد‌های ۱۰ میلیاردی ندارد. امضا می‌کند و می‌داند که باز هم می‌تواند بدبگهاری‌اش. اینجا فوتبال ایران است. همین باشگاه زمین فوتبال برای برگزاری تمریناتش ندارد. هر روز خبر می‌دهد که با اینجا و آنجا مذاکره کرده و می‌خواهد یک زمین تمرین پیدا کند و احتمالاً زمین تمرین را باید مدیون روابط مدیرعامل جدید خود باشد، وگرنه ستاره‌های ده میلیاردی‌اش باید باید در پارک تمرین می‌کردند.

باشگاه برای خرید بازیکن پول دارد اما بی دربی طبق روال مدیران مختلف و متعدد بدهی‌هایش را نمی‌پردازد، بلکه انباشته می‌کند تا مدیر بعدی که در درستی بزرگ‌تر کارش را شروع کند.

این روند یا کج راه را همه در فوتبال ایران مثل کف دست‌شان می‌شناسند، اما خیالش را هم نکند که این مسیر تغییر کند و باشگاه‌داری در ایران راه دیگری را تجربه کند.

در خبر رسمی باشگاه استقلال درباره رفق توقیف حساب بانکی باشگاه می‌خوانیم که طلیکار ناشناس ۹/۷ میلیاردی از باشگاه استقلال حمایت کرده و به لطف موافقت کرد که فک بازداشت حساب بانکی استقلال انجام شود. استقلال می‌خواهد این بدهی‌اش را اقباط بپردازد. استقلال که هر بازیکن ۹/۷ میلیارد و بیشتر می‌ارزد به این الطاف چرا نیازمند می‌شود؟ این باشگاه که بازیکن ده میلیاردی استخدام می‌کند و دو خرید احتمالی خارجی‌اش ده میلیارد را بیشتر قیمت خواهد داشت، چرا باید برای بدهی ۹/۷ میلیاردی چنین به مذاکرات فشرده و لطف و محبت نیاز داشته باشد؟

باشگاه استقلال در این سیاق باشگاه‌داری تنها نیست، همراهی همیشگی به نام پرسپولیس دارد. استقلال و پرسپولیس هم تنها نیستند، خیل باشگاه‌های دیگر در فوتبال ایران مثل آن‌ها زندگی می‌کنند و باشگاه‌های دیگری هم می‌خواهند شبیه آنها باشند.

از درآمدهایی که استقلال هر سال از محل اسپانسرها و کارگزار و ... به دست می‌آورد که اغلب بخش بزرگی از حقوق باشگاه طی همان قراردادها پیمال می‌شود، همه‌اش خرج خرید بازیکن و مربی می‌شود و این باشگاه طی دهه‌ها از داشتن یک زمین تمرین محروم است. استقلال حتی صاحب یک ساختمان اداری که مناسب برای یک باشگاه هفتاد و چند ساله باید همه هوادار باشد، نیست و همان ساختمانی را که بسیاری مدیران از نشستن در اتاق مدیریتش فرار می‌کنند، از فدراسیون فوتبال هدیه گرفته‌است.

اینکه چنین باشگاه‌هایی چرا برای خرید بازیکن پول دارند و هنگام قرارداد و لخر می‌شوند، اما اساسی‌ترین و بدیهه‌ترین امکانات را ندارند، سؤال بی‌پاسخ درباره باشگاه‌داری در ایران است.